روبرروی بهتر بچمه بارند می جنماعی دانستنه تا کسسانی که محتوای آن را نادرست و نامناسب سال های هفتم و هشتم تدریس می شود، شامل مطالبی چـون مهارتهـای کنترل عصبانیت، مهـارت کنترل استرس مهارتههای معرفه،

مهارت افزایش عزت نفس و... است که دستیابی مهارت افزایش عزت نفس و... است که دستیابی به این مهارت ها نیازمند آموزش عینی-مشارکتی گسترده است. آموزش هایی که باید معلمان آن

را بەدرسىتى منتقل كنند، حال آن كە اين درس

در بسیاری از مدارس، معتم محصوف به خود را نـدارد. در این میان اما شـاید تنها کسـانی که بهدرسـتی بتوانند ضعفها و توانمندیهای این درس را بیـان کننـد، دانش آموزاننـد. از این رو

«طُرح نُو» پای صحبت آنها نشستُه تا از تجربیاتُ عینیشان بگویند.

. ی ن . ر. «فاطمه» کلاس هشتم است. او درباره کتاب

تفکر و سبک زندگی که پارسال نام دیگری داشت و مهارت های زندگی خوانده می شد، می گوید:

«پارسال درباره خداشناسی و خودشناسی درسهایی داشتیم. این که اگر خدا را بشناسی،

ارس بی می اور بیسی می توانی به خودشناسی برسی. امسال درباره این کــه چطور می شــود از آدمهای پیــر مراقبت کنیــم، تصمیم گیریهای درست کنیم، با عزت

نفس جلو برویم و احترام خودمان را نگه داریم، درسهایی را میخوانیم. درباره اینترنت و وسایل

ارتباطی و روابط اجتماعی چیزهای مختلفی یاد گرفتیم، مثلا این که وقتی با هم روبهرو می شویم قرب است چه رفتارهایی انجـام دهیم یا این که

،ب ساسرت چیست.» از او میپرسم که معلم این درس چه تخ

داشته و او می گوید، بیشتر معلمهای آزاد این کلاسها را اداره می کنند. مثلا هر دوسال معلم

زبان شان این در س را ارایه کرده. اگر معلّمهای اجتماعی باشند آنها و اگر نباشند معلّمهای

آداب معاشرت چ

ـوص بەخود

یاری از مدارس، معلم مخ



نگاه ۲

بررسىدلايل وجودكتاب «تفكر وسبكزندگى»ونقايص آن مسالهملالوروزمرگي

و دسترسیی به فضای مجازی، این فردگرایی و عدم تعامل با جامعه و کسب مهارت های اجتماعی بین جوانانمان بيشتر نمايان شداز طرفي خانواده هاهم به . سببمشکلاتاقتصادیوبهدلیلمرجعیتیکهنظام آموزش و پرورش برای خود ایجاد کرده است، هرچه بيشتر مسئوليت تربينى خود رابه مدرسه تفويض ۔ کہ دہاتک

ر----با توجه به مطالب بیانشــده، آمــوزش و پرورش ز دســت به ارایه راهحل زده اســت و کتابی تحت نى: دىس یر عنوان «تفکر و سبک زندگی» را طراحی کرده که ۲سال از ارایه آن به دانش آموزان پایه هفتم و هشتم می گذرد. در این کتاب به مسائلی چون خودآگاهی، کنترل خشم، کنترل عصبانیت، کنترل استرس و... اشاره شده است. در نگاه نخست کتاب بسیار خوب سردست سعد تریمونست عبیر مورد وارزنده بنظر می رسد امامشکلاتی نیز دارد که در این جا به دو مسأله اشاره می کنیم: ۱- آیا می توان مهرات را به شـــکل یک دانش به افراد انتقال داد؟ آیا با گفتن این که موقع عصبانیت یا استرس به صورت . تیتــروار چهکارهایی را باید انجــام دهیم، می توانیم انتظار داشته باشــیم که فرزندانمان دارای این گونه مهار تها باشند؟ مهارت تنها و تنها با توجه به تكرار مهارت، بستند، سهارت سه ر زیاد یک کار در موقعیت خود بهدست می آید: اگر به یک فرد بگوییم هنگام آتش ســوزی باید اول آرامش موقعیت روبهتر و شــدهاند، می تواننـــد آرامش خود را حفظ کرده و به جای فرار، به سمت آتش رفته و آن را مهار کنند.در ار تباط با مهارت های زندگی در خوامع مدرن هم به همین صورت است و باید فرزندانمان را بارهاوبارهادر موقعیتهای مختلف شبیه سازی شده قرار دهیم و آن موقع انتظار داشته باشیم که اگر روزی در موقعیتهای حقیقی قرار گرفتند، فتاری معقول و منطقی از خود بروز دهند. نمونه این موقعیتهای شبیه سازی شده را شاید بتوان سربازی برای پسران نام بردبرای بسیاری از آنها این اولین اردوی بلندمدت زندگی آنهاست که باید بدون پشتوانه خانواده و اقوام از پس کارهای خود برآیند و در فرهنــگ ما از آن به از پس کارهای خودبریند و در فرهند می را رن به «کار خانمدردسازی» نیز یاد می شود ولی در کنار این حسن بسیاری ضرها هم برای آنها دادر یکی از مشــکلات ذکر شده آن اسـت که قرار بر انجام کار خاصی نیست و فقط ۲ســال زندگی در اجبار است شايد تبعات ســنگينى چون عادت به روزمر كى و بيهود كى رابەھمراەداشتەباشد.

۲-مساله دیگر معلمانی هستند که مشغول نریس این درساند شاید به جـرأت بتوان گفت، اكثريت أنها تخصصي دراين بارهندار ندوبراي پر كردن اسریت انها معصی در این برامنار مورزی پر رسی وقت داش اموزان و فع تکلیت از معلمان دروس دیگر در این درس استفاده میشود بدین ترتیب یا کتاب تدریس نمی شود یا کلاس به بیان تجربیات سخصی معلم می گذرد. اینها عواملی بود که از نظر نگارنده سبب ملال آوری این درس برای دانش آموزان شده و تاثیر گذاری آن را بامشکل روبه رو ساخته است. درنهایت بهعنوان پیشنهاد در جهت مهارت آموزی ذکر چندنکته خالی از لطف نیست.اول این که به دلیل نمر محور بودن نظام آموز شیے ما هر مطلبی برای دانش آموزان صرفا تبديل به حفظيات مى ش نه فقط تا شب امتحان کاربرد دارد و بعد از آن به فراموشی سیرددمی شودچون ارایویت مرار سر این که اگر مامی خواهیم دانش آموزانی مسئولیت پذیر و دارای مهار تحای زندگی برای مقابله با سختی ها و همچنین منطقی و معقول داشته باشیم، باید ساختار مدرسـه نیز به این موضوع کمک برسـاند، یعنی با مشارکت دانشآ موزان در محل و همچنین تشکیل اردوهای چندروزه بهصورت مداوم فرزندانی را تربیت كنيم كهبهمرور باواقعيات زندكي أشنام میں - بروربو سیے رہے ہی۔ بمواسطہ تمرین توانایی بہتری برای ادارہ زندگی خود راکسب کنند.

محمود بهتاش دانش بانگاهی اجمالی به علل پیدایش آموزش و پرورش ب محمی جمعی به علی پیدیس مورس و پرورس درمی بابیم بدون شــک یکی از تاثیر گذارترین دلایل چنین آمــوزش همگانــیای، تغییر نــوع جامعه از پ حالتی سادہ و سنتی به شــکلی پیچیدہ به معنای بار ارزشــی آن بلکه از نظر تخم به معنای بار ارزشــی آن بلکه از نظر تخصصی شدن مشــاغل و تقســیم کار در جامعه) بوده اســت این گزاره بدان معناســت کــه تا پیش از کشـف نیروی بخار مذکل می از کلار برار به ن مدینه سودی می بیش ریست مرده در بخار و شکل گیری انقلاب صنعتی، زندگی مردم در اجتماعات سنتی شکل می گرفت که مشخصه آنها

میزان محدود و سـرعت پایین تولید بود. به همین علت مردمان آن زمـان برای یادگیـری حرفههای ئوناگون نیازی به آموزش تخصصی نداشــــتند و هر وری بوی نیزی به افزرش محصصی منصب و هر فردی چب زن و چه مردان طریق خانــواده خود این حرفاه او مهارت هارا کسب می کرد و به افلهه زندگی می پرداخت، بنابراین کسب این آموزش های بیرون از شفاهی واز طریق خانواده دیگر آموزش های بیرون از تانواده رايجاب نمى كرداين وضع شباهت زيادى به زندگی عشایری و روستایی ما در ایران در حال حاضر ر کی ۔رک رز ہی در در میں دارد که افراد کارهایی از قبیل گلهداری، شیردوشی، پشمزنی گوسفندان، کشــاورزی، باقتن لباس و .. را

درون خانوادهاز پدر ومادر خودمی آموزند. اما پس از تحولات بسیار زیاد جامعه در طول انقلاب صنعتی، نیاز به تولید دانش های گوناگون به سـبب ، شدفزاينده سرعت توليد صنعتي به وجود آمدو اين ر شد در اینده سرعت تونید هستنی به وجود امدو این عامل، دلیلی بر شــکل گیری آموزش های تخصصی و بیـــرون از خانواده به شــکلی مــدرن را ایجاد کرده بدان معنا که دیگر خانواده از عهده انتقال مهارت های جديدو تخصصي به فرزندان خود برنمى آمدو كم كم جديدو تخصصي به فرزندان خود برنمى آمدو كم كم نياز به شكل گيرى نظام آموزش همگانى جهت تأمين نيروى كاراحساس شد.

ییروی در مصافق سد. تولد آموزش همگانی در ایران بــه دوران رضاخان بازمی گردد کــه بهجهــت حرکت ایران بهســمت حامعهای مدرن و شهری ، انجاد این شکل از آموزش م معمای مدرن و شهری، یجه این سکل را مورس نیز جزو بدیهی جامعه شـــد اما تفاوتی که بین ایران و کشــورهای مدرن غربی وجود داشــت این بود که مدرن سازی جامعه فرآیندی از بالا به پایین و شکلی نستوری داشت. بدین تر تیب چون هنوز اکثریت عضای جامعه ایران را ساکنان روستاو عشایر تشکیل مىدادند كه نيسازى به اين نوع از أموزش احسساس ی . میکردند، این امر عاملی جهت نمی کردند این امر عاملی جهت معابد با سیسسم جدید شد حرکت تدریجی به سوی شهرنشین شدن موجب شد نظام همگانی آموزش و بسرورش ارج و قرب فراولتی پیدا کند، به صورتی که فرد تحصیلکرد را فارغ از سرمایه فرهنگی، غنی از سرمایه اجتماعی می ساخت به مرور و تازمان کنونی، این سیستم ی بەقدری جــای پای خود را محکم کرده اســـ تکه به امری بدیهی مبدل شــده و هر که از آن مصون مانده باشد، بیمار می نمایاند. در سُال های اخیر به دلیل فارغ التحصیــل شـــدن متولدین پر شــمار دهه ۶۰ مارد مه ۶۰م، مسأله بيكاري اين افراد نظر كارشناسان و همچنين مردم را به خود جلب كرد. فارغ التحصيلان دهه ۶۰ مرم رو به موان می مرد کرد. با مدارک لیسانس، فوق لیسانس و بعضا دکتری در سن حدود ۳۰ سالگی توانایی به دست آوردن کار را س منوع ۱ مندی توجیع بویی بیست وران در ا ندارند که همین امر سبب بروز بسیاری از مشکلات و آسیب های اجتماعی شده است. ایس عامل زنگخطری بود که حاکمیت را به خود مشغول و هر رحت طری و می میشود و به میشود به مود مسور و مر بخش از حاکمیو با توجه به مسئولیت خود سعی در نظام اقتصادی یافتند کـ در این جا مجال بحث ر مرسم ان نیست، آماد ر حوزه اجتماعی مخصصان ب درمورد آن نیست، آماد ر حوزه اجتماعی مخصصان ا باایت پدیده روبه رو شــدند که تعداد زیــادی از این افراد، همچنان مجرد باقی مانده اند و با خانواده خود زندگی می کنند، به نظر می رسد که این افراد در سنین ر می ی . بالاتر همچنان در دوران نوجوانی خود به سر می برند؛ این مساله ناشسی از عدممواجهه با دنیای واقعی و مسئولیتناپذیری آنهاست؛ در نتیجه برای مثال، یک فرد ۲۸ ساله هیچ انتظاری از خود بهعنوان کسی که باید اداره یک خانواده را بر عهده داشته باشد، ندارد. از ید درمی است مربع می این بر محمد است که در عین سوی دیگر، جامعه با کسانی مواجه است که در عین جوانی و پرانرژی بودن، تعاملات کمی با جامعه خود برقرار می سازندو با ورود تکنولوژی های کامپیوتری

بیمیل میکند. «آیدا» هـــم دا: ی کی دا» هــم دانش آموز کلاس هشــتمی و از جمله دانش آموزانی است که تجربه خوبی در کلاس های درس تفکر و سبک زندگی دارد. او نیز به «شهروند» می گوید: «بـرای این که سـاعت این درس برســد ی رویس می کرده، معلم ایس درس خیلی خوب بود و ما با اطمینان و آرامش سر کلاس حاضر می شدیم. معلم از ما می خواند فارغ از کتاب باشیم و نظرمان را درخصـوص همهچیز جویا می شـد و همیـن هم باعث شـد تـا خیلیها کـه کم حرف یا روی صحبت کردن نداشــتند، کم کم توانستند با هم روی صحبت کردن نداشــتند، کم کم توانستند با هم گفت و گو کنند.» بــرای آیدا حضــور در کلاسهای این درسُ عاملی شـد تا اسـترسهایُشُ کمتر شود. وقتی درخصوص تاثیراتی که ایـن درس در زندگی و مهارت های عمومی زندگی ش برجا گذاشته می پرسیم، با خوشـحالی می گوید: «خیلمی تأثیر

دارد، این اســـت که حجم کار هایی که باید تا جلسه

ر ہے۔ بعد انجام دھیم کمی زیاد است و ھمین مسأله ما را نسبت به کلاس مهارتھای زندگی تا حدودی

داشت و از معلم مشاوره می گرفتیم. موقع امتحانات استرس کمتـری داشــتم و قــدرت «نه گفتن» و مخالفت با چیزی که به نظرم نادرست بود را هم پیدا کر دم و اینها عاملی شد تا راحت تر با زندگی اجتماعی کنار بیایم.» آیدا اما نقدی نیز به این کتابها دارد، او می گوید: «در این کتاب به ما آموزش روبهرو شــدر ی رو ای رو این کرد. در خانواده داده نمی شود. مثلا خیلی از بچهها نمی توانند با پدر و مادر شان به راحتی صحبت کنند و مشکلاتشان را با آنها در میان بگذارند و نیاز دارند تا مهارت این کار را کسب کنند. پس بهتر است

بخشی هم در این مورد وجود داشته باشد.»

نگاه ۱

ت. او

بر ای بچەھا حکـــم زنگ تفریـــح دارد. یعنی خیلی دروس دیگر این کلاس ها را اداره می کنند. ، دی. جدی گرفته نمی شـود. معلمها معمولا تحصیلات مرتبط با درس را ندارند. یک بخشی از زنگ به این روی : ریا معالیت می و روی کلاس می گوید: «کمتـر از روی کتاب کار می کردیــم. فعالیت ها را اختصاص داده می شود که به صورت گروهی حرف بزنیم. بعد هم معلم اجازه وقتآزاد اعلام می کند و هرکس کارهایش را انجام می دهد. او درباره این که چقدر بحثهای مطرح شده در کلاس به دردشان می خورد یا نه می گوید: ما خیلی بحثها را جدی نمی گیریم. مخصوصاً توصیه ایی کـه در کتاب آمده. حالا شـاید در طول کلاس یـک وقتهایی حرفهایی زده شود که خوب باشد اما کلیت ماجرا این است که کلاس بـه همان یک سـاعت و نیم اختصاص دارد و بعد از آن تأثیر چندانی ندارد. ، سی،هایم برای پیدا کردن دوس «ســعيد» هم كلاس هشـــتّم ابتدايً می گوید، کلاس هـای مهارت هـای زندگی خیلی ی در مدرسه شان برگزار می شود. معلمشان جدی در مدرسه شان برگزار می شود. معلمشان هم برای هر جلسه موضوع تحقیق می دهد تا جلسه بعد آماده باشند. البته او معتقد است، چنین بسه بعد «ماده باشند. البته او معتقد است، چنین بحث هایی به انعطاف بیشـتری نیـاز دارد. اما خب در مدر سه شان ... بد مدرسه شان رسیم بر این است که این درس هم در مدرسه شان رسیم بر این است که این درس هم مثل در سهای دیگر جدیت کافی را داشـــته باشد. «عسل» می گوید، بحثهایی که در کتابشان مطرح شـده به خصوص آن بخشهایی که روی مسـائل شخصی تر مثل کنترل خشــم و آداب حرفزدن با

محرستا مناصط دیدری دارد. او می تویند هرسال این سبک در سها در هر مقطعی وجود داشته بیکبار اسمش را می گذارند پرورشی و یکبار سبک زندگی و یکبار دیگر هم یادگیری مهارتهای زندگی، اما چیزی که بسن همه این درس ها مشترک است، این است که این کلاس ها

است. مثلا بهتر است از اول دبستان این درس باشـد. او پیشــنهاد میدهد که بهتر است معلمها بیشتر درباره معاشرت صحبت کنند. «خیلی از همکلاسی هایم برای پیدا کردن دوست مشکل دارند امـــا در کلاس هـــای دیگر دیدم کـــه معلمها به جای بحث و نظر خواهـی آز بچه ها از روی کتاب کار می کردنــد و می گفتند برویــد فعالیت ها را در خانه بنویسید و بخوانید در صورتی که این درست نیست. اما کلاس ما خوب بود. بحثی را که درباره مریست کر عرفی مسیم، در سال کنیم و معلم سان گفت بر ایسش پاور پوینت تهیے کنیم و فرهنگ کشورهای دیگر را به بچه ها نشان دهیم.» اما فاطمه تنهاست. بیشتر همکلاسیهایش این درس را دوست ندارند و فکر میکنند وقت تلف

یرمن را موسعه در مرد و عبر این مسیر وی سید کردن است، برای همین تعیداد بچههایی که در لادر سا» امــا نظــر دیگــری دارد. او می گوید،

مشارکتی انجام می دادیم و بحث می کردیم. اما مشکل این بود که به هر حال آخر ترم باید امتحان بدهیم و یک بخشهایی از کتاب را حفظ کنیم.» او کلاسهای تفکر و سبک زندگی را دوست دارد و فکر می کند که برای کلاس هفتم و هشتم دیر فر هنگ هـــا در کلاس داشـــتَـم، دوسـ

عميق ودلايل محكمي براي لولويت بندى خود خواهيم

سیلی و میں معلی بری کو بیاب کی کو میں داشتہ اما آیا بەراستی چنین است؟ نکتهای که ما را نسبت به مبانی نظری این اقدام مشکوک می کنده اختصاص آموزش های بیشگیرانه اعتیاد به پسران

است. در حالی که کارشناسان نسبت به افزایش اعتیاد در بین زنان هشدار می دهند، نظام آموزشی، برای انحصار

بنايى مى تواند

آموزش های پیشگیرانه به پسران چه مب



سال هاست که متخصصان و صاحبنظران نسبت به فلاآموز ش مهارت های زندگی در نظام آموز شی هشدار

میدهند. پژوهش های انجام شــده نیز بر پایین بودن سـطح مهارت های زندگی در بین دانش آموزان صحه

سپيدهاكبرپوران

شيوهانتقال مضامين. . مُحتوای کتاب، همانطور که از نام آن پیداست، از نمهارتٌهایزندگی»دورشدهوبهسمت«آدابوسبک زندگی» حرکت کردهاست؛ عنوان مــندرآوردیای که مبانی نظری آن چندان روشــن نیست. ابهام عنوان خود را در محتوای کتاب هم نشــان دادهاســ ت. طبق ر سازمان جهانی بهداشت، مهارتهای زندگی شامل ۱۰ مورد مهارت تصميم گيري، حل مساله، تفكر خلاق، تفکر نقادانه، برقراری رابطــه موثر بادیگران، برقراری روابط بین فردی ساز گار، خودآگاهی،مدلی با ، دریا روا روا رویا و یکی و یکی در در ایکی در ا در ویارویی با استر سرها می شود. کتاب بخش هایی از این مهارت.هارا پوشش می دهد. برای مثال، ذیل عنوان «من کیستم؟»و «خوداً گاهی چیست؟»به بحث خوداً گاهی می بردازد یا تحتعنوان «خشم خود را چگونه کنترل ې د د بې د کنټرل بخشی از هیجانات می پردازد اما در بخشهای دیگر از مهارتهای زندگی عبور کرده و وارد مباحثی مانند اعتیاد (در ضمیمه ویژه پسران) و آداب



در ســـن بلوغ قرار دارد و فارغ از محتوا در برابر هر نوع پند و موعظه مستقیم مقاومت می کند، چه ار تباطی با این کتاب برقرار خواهد کرد؟ یک عبارت کلیشهای ونخنما كافى اس ت تااعتبار کل کتاب نزد دانش آموز خدشهدار شــودو به ســاير مضامين و محتواها نيز به دیده شبک و بی اعتمادی نبگاه کند. یعنبی واقعاً ما میخواهیم بااین عبارات مستقیم و کلیشه ای نگرش یا رفتار دانشآموزان را تغییر دهیم؟ ما با چه شناختی از تٌ به تدوين اين كتاب زدهايم؟ بنابراين با کتابی مواجه هستیم که هم از حیث محتوای انتخابی عدی موجه میشیم به مهر ریین معنوی مندی و هم از حیث شــیوه انتقال محتوا با ضعفهای جدی مواجه است و در کل حس میشود کتاب بدون توجه به مطالبه، نیاز و حساســیتهای خاص دانش آموزان ۔ ندوین شدہ اہ

داشـــته باشــد؟ آیا نظام آموز شــی منتظر است تعداد قابل توجهی از زنان ودختران دچار اعتیاد شوند تاخود را

ر ای لی جدالزاین تمایز گذاری عجیب، نحوه انتقال مضامین نیــز جالب توجه اسـت. در زمینه مواجهه با مســائل اعتیاد بسیار کلیشهای و بازاری است. دانش آموز با محتوایی مواجه است که بارها و بارها از صداوسیما ت. دانش آموز با و سـایر رسـانه ها و نهادهای دولتی شنیدهاست. در . سفحه ۲۴ كتاب ويژه پسسران ميخوانيسم، «عتياد علاوہبر عوارض جســـمانی و روانـــے دار ای پیامدہای علاوابر عوارض جسمانی و رواست کاری پیدادهای خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی است که هم خانواد و هم مردم و دولت را گرفتار می کند، ۵ عبارت هایی از این دست در کتاب بسیار است، اما آیا چنین محتوایی برای دانش آموز جذابیت خواهد داشت؟ نوجوانی که

وشش و آراستگی (در ضمیمه ویژه دختران) میشود. پر ان رو این است که این جرحو تعدیل در محتوا حال پرسش این است که این جرحو تعدیل در محتوا براساس چه اصولی شکل گرفته است؟ چرا پرداختن به در قبال آنان مسئول بداندو وار دعمل شود؟ مُسأله اعتياد (برأى پسران) نُسبت به سايرُ مُهَارتهاى زندگى (ازجمله مهارت تفكر انتقادى، حل مسأله و...) ، راولویت قرار گرفته است؟ اگر قرار است اولویتبندی الما العات سازمان جهانى بهداشتراناكامل بدانيم،حد

می گوید: ایسن درسها اتفاقا بسرای روحیه بُچهها خیلی خوب است و از آن فضای خشک درسهای دیگر ما را خارج می کند، فقط تنها ایرادی که وجود

دیگران توضیح داده شده، برایشان خیلی کاربردی

....رای روید است به شرط این که نحوه بیان کردنش طوری باشد که بتواند تاثیر گذار باشد. او همچنین در ادامه